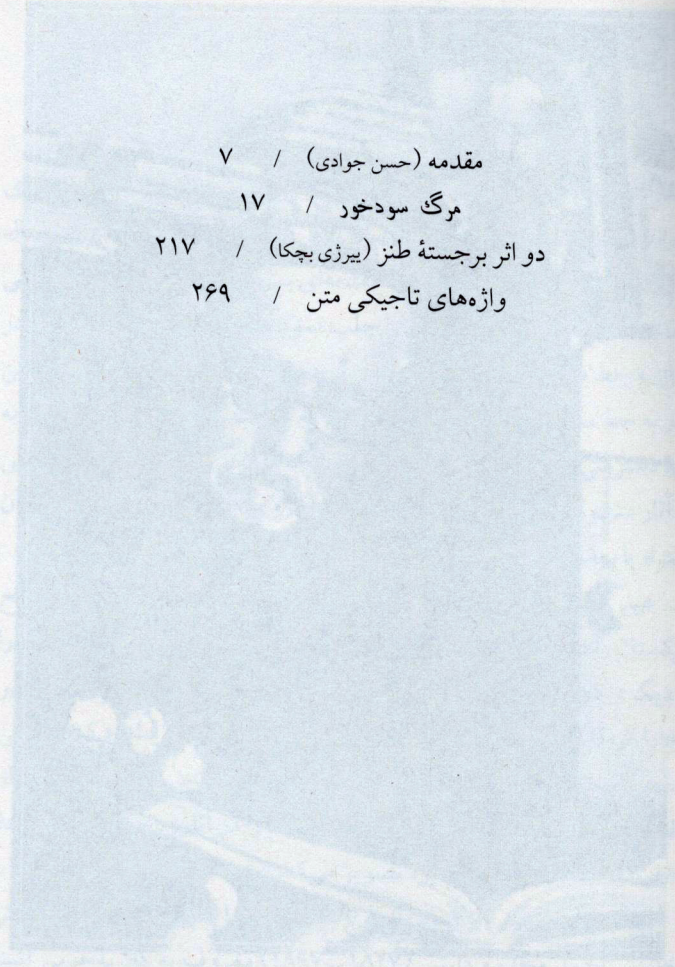


مرگ سودخور

صدرالدین عینی

با مقدمهٔ حسن جوادی
و مقاله‌ای از پیرژی بچکا

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۳۹۸

- 
- مقدمه (حسن جوادی) / ۷
مرگ سودخور / ۱۷
دو اثر برجسته طنز (بیرژی بچکا) / ۲۱۷
واژه‌های تاجیکی متن / ۲۶۹

* نقاشی روی جلد از حسن جوادی با استفاده از کاریکاتوری از روتر هنرمند آلمانی در مجله
ملا نصرالدین، چاپ تفلیس، ۱۹۰۹، شماره ۳.

مقدمه

صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴)، بنیان‌گذار ادبیات جدید تاجیکی، برای خوانندگان ایرانی چهره ناشناسی نیست و یادداشت‌های عینی که در سال ۱۳۶۲ به همت سعیدی سیرجانی با مقدمه‌ای بسیار خواندنی و یادداشت‌هایی میسوط چاپ شد توجه بسیاری را جلب نمود. متأسفانه آثار متعدد عینی که در آغاز به خط فارسی چاپ شده بودند هرگز در ایران انتشار نیافتند، و بعداً نیز این آثار به خط سیریلیک یا روسی چاپ شدند که در ایران کمتر کسی می‌توانست به آنها دسترسی پیدا کند و یا بخواند. این است که مصمم شدم برای اولین بار یکی از آثار مشهور عینی به نام مرگ سودخور را از روی چاپ استالین‌آباد ۱۹۵۶ آن همراه با بعضی حواشی جدید به خط فارسی به چاپ برسانم.

عینی از نویسندگانی است که زندگی او دو دوره بسیار متفاوت تاریخ ترکستان را در بر می‌گیرد: یکی روزگار پیش از انقلاب اکتبر و زمان امیر بخارا و دیگری دوره تسلط شوروی بر آسیای میانه. به گفته خودش او در زمان امیر بخارا اثر قابل توجهی به وجود نیاورد، و «انقلاب او را نویسنده کرد». ولی بدیهی است که خمیرمایه افکار و نوشته‌های او بیشتر به دوران پیش از انقلاب سوسیالیستی تعلق دارد و وقایع آن ایام را در آثاری چون یادداشت‌ها، داخونده، عصیان غلامان و غیره تصویر می‌کند.

فعالیت ادبی عینی از زمانی شروع شد که وی با آثار نویسنده و روشنفکر بخارایی احمد مخدوم دانش (۱۸۲۷-۱۸۹۷) معروف به کلا به خوبی آشنا شد و او الهام‌بخش و سرمشق نوشته‌های عینی گردید. در نمونه‌های ادبیات



تاجیکی عینی می‌نویسد: «دانش ستاره درخشانی بود در آسمان‌های تیره بخارا». بعداً عینی تحت تأثیر انقلاب اول روسیه و سپس انقلاب اکتبر از تقلید آثار کلاسیک، و سرودن غزل به سبک بیدل دست کشید و به نوشتن آثار طنزآمیز، انتقادی و به آنچه «رنالیسم سوسیالیستی» شهرت یافته است پرداخت. با وجود این‌که اشعار عینی در چند تذکره گنجانیده شده و حتی می‌خواستند او را شاعر دربار بخارا بکنند، او به شاعر درباری بودن رضایت نداد و آثار این دوره خود را فردی و خودبینانه توصیف می‌کند.

اهمیت فعالیت‌های پیش از انقلاب عینی در کار معلمی او بود که در «مکتب‌های اصول نو» تدریس می‌کرد. بر پایه همین تجربیات معلمی بود که کتاب تهذیب الصبیان را نوشت (چاپ ۱۹۰۹ و ۱۹۱۷) و این اولین کتاب آموزش جدید در مدارس تاجیکستان بود. چون تا آن موقع از کتاب‌های عربی سبک قدیم چون جامع المقدمات و غیره برای درس استفاده می‌کردند. صدرالدین سید مرادزاده، که با تخلص عینی مشهور است، در دهکده «ساکتره» در کنار رودخانه زرافشان در نزدیکی شهر بخارا در پانزدهم آوریل ۱۸۷۸ (۱۲۵۶ ش هجری) به دنیا آمده و در پانزدهم ژوئن ۱۹۵۴ (۱۳۳۲) در شهر دوشنبه درگذشت و در همان‌جا در چهارباغ عینی که «پارک عینی» هم خوانده می‌شود به خاک سپرده شد. عینی علوم ادبی و عربی را در مدرسه «میرعرب» بخارا، که هنوز هم یکی از عمده‌ترین مراکز تعلیمات اسلامی در آسیای مرکزی است، فراگرفت و فعالیت‌های ادبی خود را از بخارا که مرکز اهل ادب بود شروع کرد. در مرگ سودخور و یادداشت‌ها عینی تصویری جالب و زنده از روزگار طلبگی خود در مدرسه‌های بخارا می‌دهد. در آثار دیگر عینی نیز بازتابی از تجربیات و زندگی شخصی او وجود دارد. مثلاً در عصیان غلامان (۱۹۳۲-۱۹۳۵)، جلادان بخارا (۲۱-۱۹۲۰)، و داخونده (۲۹-۱۹۲۷) زندان‌های امیر بخارا و ستمگری‌های او را تصویر می‌کند. هنوز هم در بخارا وقتی که به دیدن قلعه امیر بخارا می‌روید می‌توانید از سیاه‌چال‌ها و زندان‌های موحش آن‌جا بازدید کنید، که اغلب زندانیان از آن‌جا

امید رهایی نداشتند. امیر بخارا برای موافق ساختن عینی او را مدرّس «خیابان مدرسه» بخارا کرد، ولی وی وضع مزاجی خود را بهانه کرده، از قبول تقاضای امیر عذر خواست و بخارا را ترک گفت و در یک کشتزار پنبه شغلی گرفت. هنگامی که بعد از مدتی در ۱۹۱۲ به بخارا برگشت به‌اتهام ترغیب اصول جدید تدریس و به‌گناه روشنفکر بودن به حبس افتاد و به فرمان امیر عالم‌خان متعیت به هفتاد و پنج ضربه تازیانه محکوم گردید، و فقط به‌علت دخالت سربازان روسی که از بدرفتاری امیر نسبت به زندانیان آگاه بودند از مرگ حتمی نجات یافت. عینی پس از ۵۲ روز معالجه و چند عمل جراحی بهبود یافت و به سمرقند مهاجرت نمود.

پس از رهایی از زندان امیر، عینی با قوای روس که برای برانداختن امیر بخارا کوشش می‌کردند همکاری نمود، و مقالات و اشعار خود را در مجله تاجیکی شعله انقلاب و ازبکی محتکش ل تووشی (صدای محنت‌کشان یا کارگران) انتشار داد. در همین دوره بود که یکی از اشعار بسیار خوب خود را به نام «مرثیه» برای برادرش که کشته شده بود در ۱۹۱۸ انتشار داد. اولین کتاب او در سال بعد تحت عنوان تاریخ امیران منغیته بخارا انتشار یافت که شرحی است از بیدادگری‌های این امیران قرون وسطایی. عینی در این دوره و شاید توان گفت تا ۱۹۲۴ بیشتر به‌عنوان یک روزنامه‌نگار فعالیت می‌کرد و در عین حال هم اشعار اجتماعی و سیاسی می‌نوشت. بیشتر اشعار او چون «شعله انقلاب» و «مارش ره‌آورد» و غیره شبیه اشعار ابوالقاسم لاهوتی است که بعدها هم با او دوست و محشور شد.

عینی در آغاز پیرو مکتب «جدیدیسیم» بود، که از طرف روشنفکران ترکستان به‌وجود آمده و از لحاظ داشتن بعضی افکار پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم شباهت زیادی به نهضت «ترکان جوان» داشت و از ۱۹۱۶ به‌بعد «نهضت بخارای جوان» نام گرفت. عینی در ۱۹۰۷ به نهضت جدیدها پیوست، ولی چون بعداً دولت کمونیستی آنها را دارای افکار بورژوایی قلمداد کرده ادعا نمود که جدیدها خود را تحت حمایت تزار قرار داده‌اند، از آنها دوری نمود.